

مشروطه،

## زنان و تغییرات اجتماعی

به انضمام نامه‌های انتقادی زنان علیه نابرابری‌های اجتماعی

علی باغدار دلگشا

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

## فهرست

۹.....	مقدمه
۱۷.....	منبع‌شناسی پژوهش:
۲۳.....	مسأله‌ی نابرابری اجتماعی در زبان عصر مشروطه
۳۹.....	نابرابری‌های اجتماعی در زبان مکتوبات
۴۱.....	جنسیت در کتب درسی دوره‌ی مشروطه
۴۷.....	اجتماعی شدن زن ایرانی و مقابله با نابرابری‌ها
۵۳.....	زنان و مسأله‌ی حقوق شهروندی در دوره‌ی مشروطه
۶۳.....	سیر شکل‌گیری مدارس زنان در دوره‌ی مشروطه
۶۶.....	توجه زنان به مسأله‌ی سوادآموزی
۶۸.....	مشروطه و تأسیس مدارس نسوان
۷۵.....	مسأله‌ی حفظ‌الصحه‌ی زنان در دوره‌ی مشروطه
۷۹.....	بهداشت زنان در رسائل مردان و مطبوعات زنان
۸۵.....	روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه
۸۵.....	ایرانیان و آشنایی با "کاغذ اخبار"
۸۷.....	روزنامه‌ی قانون و توجه به حقوق زنان
۹۰.....	مطبوعات زنان

۹۷	مطالبات اجتماعی زنان و استفاده از پردازش‌های دینی
۹۷	زنان و طرح مطالبات اجتماعی
۱۰۰	مطالبات اجتماعی و پردازش‌های دینی
۱۰۵	مقایسه‌ی مطالبات اجتماعی زنان ایرانی با زنان کشورهای دیگر
۱۰۵	مقایسه‌ی حرکت زنان فرانسه و ایران
۱۱۴	مقایسه‌ی حرکت زنان مصر و ایران
۱۱۹	نتیجه‌گیری
۱۲۷	منابع
۱۳۸	نگارش یکی از مجلات قزوین
۱۴۴	مکتوب یکی از مجلات ایران
۱۴۸	مکتوب یکی از مخدرات
۱۵۲	مقاله‌ی مخدرات
۱۵۹	مکتوب یکی از مخدرات
۱۶۲	لایحه‌ی یکی از خواتین
۱۷۰	مکتوب یکی از نسوان
۱۷۴	نطق انائیه در انجمن نسوان عشق آباد
۱۷۶	بقیه‌ی مکتوب خیر النسوان قزوین
۱۷۸	تلغراف انجمن مخدرات ایرانیان در استامبول
۱۷۹	رسم زنداری
۱۸۱	معارف زنهای ایران یکی از سرچشمه‌های بدبختی ما
۱۸۴	تربیت نسوان در ژاپون
۱۸۶	الماضی ما مضی اجله
۱۹۰	نخستین قونقره نسوان
۱۹۵	مقایسه‌ی حالات زنان اروپائی با زنان ایرانی
۱۹۸	اخطار به مردان و جوانان

۱۹۹	اخطار به مردان و جوانان بی ملاحظه
۲۰۲	عوالم النساء
۲۰۵	نامه از شیراز
۲۰۶	خاهران [خواهران] بیدار شوید
۲۰۹	نامه از تهران
۲۱۲	نامه از لاهیجان
۲۱۵	مادر ما ایران
۲۱۹	اسناد و اوراق مطبوعاتی

اساس آن آگاهی، مطالبه‌گران امروز از نوع و تجربیات مطالبه‌کنندگان دیروز استفاده کنند. تجربیاتی که در آن، آگاهی از علل و زمینه‌های هر دو ساخت: ۱- به نتیجه رسیدن مطالبات و ۲- عدم تحقق مطالبات، می‌تواند دارای اهمیت و ارزش باشد. آشنایی با عملکرد و اقدامات فعالان حقوق اجتماعی زنان در اواخر دوره‌ی قاجار نشان می‌دهد که رسالت اجتماعی تمامی زنان و مردانی که به محدودیت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی، فارغ از جنسیت، نژاد و طبقه‌ی اجتماعی نگاه می‌کنند، ابتدا کسب آگاهی و مهم‌تر از آن انتقالش به بتن جامعه است: (آگاه کردن جامعه‌ی ناآگاه یا بدآگاه).

علی باغدار دلگشا

دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

فروردین ۱۳۹۶ / مارس ۲۰۱۷

### مسأله‌ی نابرابری اجتماعی در زبان عصر مشروطه

از دوره‌ی مشروطه به عنوان یکی از ادوار مهم تجددگرایی در جامعه‌ی ایران می‌توان نام برد؛ دوره‌ای که در آن علاوه بر ایجاد تغییر در حوزه‌های سیاسی، شاهد ایجاد تحول در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی نیز هستیم. در این دوره‌ی زمانی علاوه بر مسایل سیاسی چون ایجاد پارلمان، مسایل اجتماعی مانند: طرح مطالبات اجتماعی و قانون‌خواهی، تدوین نظام آموزشی جدید و ایجاد مدارس نوین به خصوص مدارس دخترانه مورد توجه قرار گرفته است؛ مسائلی که طرح برخی از آن‌ها را از مهم‌ترین واکنش‌های زنان ایرانی در مقابل نابرابری‌های اجتماعی دوره‌ی مشروطه باید دانست.

در خصوص مسأله‌ی نابرابری اجتماعی در زبان عصر مشروطه، پرسش‌های اساسی، بررسی مسائلی چون: مسأله‌ی جنسیت در مکتوبات دوره‌ی مشروطه، نقش جنسیت در نوع اجتماعی شدن افراد به خصوص دختران و بررسی مهم‌ترین نقش‌های ترسیمی برای زنان در مکتوبات این دوره است.

نابرابری‌های اجتماعی را می‌توان به سه حوزه‌ی نابرابری‌های طبقاتی، جنسیتی و قومی تقسیم کرد. بسیاری از نمونه‌های این تقسیم‌بندی در اسناد و منابع باقی‌مانده از ادوار مختلف تاریخی ایران قابل مشاهده است. منظور از نابرابری جنسیتی یعنی این که یک جنس نسبت به جنس دیگر (معمولا زنان نسبت به مردان) از مزایای اجتماعی کمتری برخوردار هستند.

برای پرداختن به موضوع نابرابری‌های اجتماعی ابتدا باید به دو اصطلاح "جنس و جنسیت" توجه داشت. دو مفهوم جنس<sup>۱</sup> و جنسیت<sup>۲</sup> واژگانی می‌باشند که برای بررسی دگرگونی اجتماعی زنان باید به تعریفی صحیح از آن دو رسید. جنس به معنای تفاوت‌های زیست‌شناختی و کالبد شناختی میان زنان و مردان است و بیانگر تفاوت‌های فیزیکی و بدنی میان آن دو. جنسیت نیز به تفاوت‌های اجتماعی میان زن و مرد مربوط می‌شود.<sup>۳</sup> بر اساس این تعریف است که دگرگونی و تبدیل جنس زن به جنسیت را می‌توان بررسی کرد. همچنین به این نکته باید توجه داشت که فلسفه‌ی سیاسی فمینیسم در این خصوص بر این نظر است که فرودستی زنان از اساس، حاصل یک فرق‌گذاری غیرمنطقی بر پایه‌ی جنس افراد نیست، بلکه حاصل سلطه‌ای مردانه است که تحت آن

تفاوت‌های جنسیتی در توزیع مزایا دخالت داده شده و زنان را به طور سیستماتیک از آن مزایای محروم کرده است.<sup>۱</sup>



۸ نابرابری جنسیتی (حق تقدم غذا خوردن مردان نسبت به زنان)، روزنامه ملانصرالدین ۲۸ آپریل ۱۹۰۶ میلادی

در ایران عصر قاجار جنس زن بر اساس رویکردهای اجتماعی مرد محور، خودباختگی و رواج خرافات میان زنان، بدل به جنسیتی خاص شده و با نقش‌های جنسی معینی مورد تعریف قرار گرفته است. تحلیل این امر حتی پس از برقراری مشروطه نیز حائز اهمیت است. در این دوره در رابطه با تغییر جایگاه اجتماعی زنان، تنها جابه‌جایی جنسیتی برای زنان رخ می‌دهد. قبل از مشروطه جنسیت

<sup>۱</sup> Sex

<sup>۲</sup> Gender

<sup>۳</sup> - گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۵، جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی، ص ۱۹۲.

۱- منسبریچ، جین؛ مولر اوکین، سوزان و ویل کیملیا، ۱۳۹۴، دو جستار درباره‌ی فلسفه‌ی سیاسی فمینیسم، ترجمه‌ی نیلوفر مهدیان، تهران: نشر نی، جستار دوم، "برابری جنسی و تبعیض جنسی"، ص ۶۹.